

# تحلیل شاخصه های تربیت دینی فرزندان در پرتو نامه ۳۱ نهج البلاغه

میترا یاری<sup>۱</sup>

خدیدجه حیدریان<sup>۲</sup>

رودابه سالمی<sup>۳</sup>

کبری زمانی<sup>۴</sup>

زهرا نوری<sup>۵</sup>

## چکیده

چکیده: نامه ۳۱ نهج البلاغه، از جمله زیباترین و جامع ترین متون تربیتی و اخلاقی اسلام، سرشار از آموزه های تربیتی عمیق است که توسط امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) نگاشته شده است که در آن با تحلیل آموزه های تربیتی، ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و نگرش های کلی حاکم بر تربیت دینی را با رویکرد اخلاقی، عقلانی و روان شناختی، مورد بررسی قرار می دهد. حضرت در این نامه، راهکارهایی برای تقویت تقوا، خودشناسی، تعقل و پرورش شخصیت فرزند ارائه می دهد و از روش های تربیتی موثر مانند نصیحت مستقیم، الگوسازی و تحریک تفکر استفاده می کند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که آموزه های نامه ۳۱ نهج البلاغه قابلیت انطباق با رویکردهای تربیتی معاصر را داشته و می تواند به عنوان الگویی عملی در تربیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد، شاخص فردی در دو بخش کسب معرفت و خودسازی، در شاخص خانوادگی به زن، نحوه برخورد با زن، محبت، مشورت، غیرت در خانواده، تقسیم کار، تربیت فرزند، زمان تربیت، مسائل اساسی در تربیت و در شاخص اجتماعی به معیار در روابط اجتماعی، اخلاق اجتماعی و روابط دوستانه مورد بحث قرار گرفته و در عین حال یک سری از شاخصه ها در نامه ۳۱ وجود دارد که اختصاص به فرد، خانواده و اجتماع ندارد اما در همه عرصه ها کاربرد دارد که از آن تحت عنوان شاخصه های کلی تربیت یاد می شود. علاوه بر این، تاکید امام علی (ع) بر اهمیت تعادل بین جنبه های مادی و معنوی زندگی، می تواند به عنوان راهنمایی ارزشمند برای مواجهه با چالش های دنیای مدرن مورد توجه قرار گیرد، که با ارائه راهکارهایی برای تقویت روحیه مسئولیت پذیری و تعهد اجتماعی، می تواند به شکل گیری نسلی متعهد و آگاه در جامعه کمک کند.

## واژگان کلیدی: شاخصه، تربیت، نامه ۳۱ نهج البلاغه، فرد، خانواده، اجتماع

<sup>۱</sup>. فارغ التحصیل سطح ۳. مدرسی ادبیات عربی. مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری، قم، استاد حوزه علمیه، نرجسیه

سنقر، Mitra.yari313@gmail.com

<sup>۲</sup>. طلبه پایه ۳. سطح سه. مشاوره خانواده، الزهراء، قروه.

<sup>۳</sup>. طلبه پایه ۳. سطح سه، مشاوره خانواده، الزهراء، قروه.

<sup>۴</sup>. فارغ التحصیل، سطح دو، نرجسیه، سنقر.

<sup>۵</sup>. طلبه پایه ۲، سطح سه، مشاوره خانواده، الزهراء، قروه.

## مقدمه

یکی از بنیادی‌ترین نیازهای انسان در مسیر رشد و تعالی، تربیت صحیح است. تربیت صحیح نیز در سایه تعالیم اسلامی و جدای از تفکرات غربی امکان پذیر می‌شود؛ چراکه تربیت از دیدگاه غربگرایان بر محور مادیات و جسم است؛ در حالی که تربیت اسلامی با در نظر گرفتن تمامی ابعاد وجودی قوانینی را برای رشد افراد برای رسیدن به کمال مطلوب در نظر دارد. با بررسی‌های انجام شده می‌توان دریافت در سایه این تربیت، فرد نه تنها به اصلاح رفتار و اخلاق خود می‌پردازد، بلکه او را در مسیر شناخت خداوند، خودسازی، و رسیدن به سعادت ابدی هدایت می‌کند که آن را در منابعی دینی به‌عنوان منابع اصلی تربیتی می‌توان به نیکی یافت لذا ضرورت پژوهش در این حوزه همین بس که علاوه بر فهم بهتر نقش نهج البلاغه در نظام تعلیم و تربیت اسلامی و بیان جایگاه والای آن به عنوان منبعی معتبر برای الگوگیری در تربیت دینی، کاربردهای نظری، کاربردهای عملی قابل توجهی دارد و می‌تواند در طراحی برنامه‌های تربیتی، آموزشی و فرهنگی موثر در خانواده‌ها و نظام تعلیم و تربیت کشور به کار گرفته شود. همچنین با توجه به ضرورت بکارگیری روش‌های تربیتی سازگار با ارزش‌های اسلامی و شرایط روز، این پژوهش می‌تواند پیشنهاد‌های ارزشمندی برای بهبود فرآیند تربیت دینی ارائه کند و راه‌گشای مسائل جاری تربیتی نسل جوان باشد. در این میان کتاب گرانسنگ نهج‌البلاغه، به عنوان یکی از متون عمیق در حوزه تربیت اسلامی شناخته شده است.

نامه ۳۱ این اثر، که امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) نگاشته، نمونه‌ای کامل از تربیت دینی، اخلاقی و انسانی است. این نامه نه تنها بیانگر رابطه پدر و فرزند در قالب محبت و حکمت است، بلکه الگویی عملی برای والدین و مربیان در تربیت نسل آینده ارائه می‌دهد.

در این نامه، امام علی (ع) با بهره‌گیری از روش‌هایی چون موعظه، محبت، عبرت‌آموزی مجموعه‌ای از شاخص‌های تربیت دینی را مطرح می‌کند که شامل تفکر، اعتدال، .. است. این شاخص‌ها، نه تنها در تربیت فردی بلکه در ساختار تربیتی جامعه نیز نقش‌آفرین هستند.

مطالعات متعددی در زمینه‌ی تربیت دینی کودکان و نوجوانان در منابع اسلامی صورت گرفته است. پژوهش‌هایی همچون «نقش نهج‌البلاغه در تربیت اخلاقی نسل جوان» (حسینی، ۱۳۹۸)، «تحلیل تربیتی نامه‌های نهج‌البلاغه» (کریمی، ۱۴۰۰) نشان داده‌اند که نهج‌البلاغه، به‌ویژه نامه‌ی ۳۱، حاوی اصولی عمیق و کاربردی در زمینه‌ی تربیت دینی است. این آثار عمدتاً به بررسی مفاهیم کلی تربیتی پرداخته‌اند، اما کمتر به استخراج شاخص‌های مشخص و قابل اجرا در تربیت فرزندان پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر با تمرکز ویژه بر نامه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه، درصدد است تا با جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و رویکردی تحلیلی، شاخص‌های تربیت دینی را به‌صورت دقیق و طبقه‌بندی‌شده استخراج کرده و زمینه‌ی بهره‌برداری عملی از این آموزه‌ها را در فضای خانواده و مدرسه فراهم آورد. این مقاله، ضمن بهره‌گیری از مطالعات پیشین، تلاش دارد خلأ موجود در تبدیل مفاهیم تربیتی به شاخص‌های اجرایی را پر کرده و گامی نو در مسیر تربیت نسل مؤمن و آگاه بردارد.

لذا هدف این مقاله، تحلیل شاخص‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و شاخص‌های کلی حاکم بر تربیت و روش‌های تربیتی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های علوی، الگویی جامع و کاربردی برای تربیت دینی فرزندان در عصر حاضر ارائه شود. امید است این پژوهش بتواند گامی مؤثر در ارتقای سطح تربیت دینی در خانواده‌ها و نهادهای آموزشی بردارد.

## ۱- مفهوم شناسی

"تربیت" در لغت از ریشه «رَبَا - يَرْبُو» گرفته شده و به معنای پرورش و به کمال رساندن است (معین، جلد ۲، ص ۱۶۲۳). اما در اصطلاح علوم تربیتی، به فرآیندی هدفمند گفته می‌شود که در آن استعداد‌های درونی فرد شکوفا شده و او در مسیر رشد عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و معنوی قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

"شاخصه" در لغت از ریشه «شَخَصَ» به معنای برجسته شدن، نمایان بودن گرفته شده است. در زبان فارسی، شاخصه به معنای ویژگی برجسته، نشانه مشخص یا مؤلفه قابل اندازه‌گیری یک پدیده است. (عمید، ۱۳۸۵، ص ۶۲۵) اما در اصطلاح علوم تربیتی در حوزه تعلیم و تربیت، به ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها یا معیارهایی گفته می‌شود که یک مفهوم تربیتی را تعریف، توصیف یا قابل سنجش می‌سازند. شاخصه‌ها معمولاً از دل مبانی نظری استخراج می‌شوند و در تحلیل محتوای تربیتی، نقش کلیدی دارند (باقری، همان، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

## ۲- شاخصه‌های فردی تربیت

در مکتب تربیتی اسلام، به ویژه بر اساس آموزه‌های گران سنگ نهج‌البلاغه، تربیت فردی جایگاهی محوری دارد. این نوع تربیت که بر تکامل درونی و رشد استعداد‌های بالقوه انسان تمرکز دارد، عمدتاً از دو مؤلفه کلیدی تشکیل شده است: کسب معرفت و خودسازی ۱. کسب معرفت: اولین گام در تربیت فردی، همان‌طور که در تعالیم دینی و فلسفی تأکید شده، شناخت و آگاهی است. این صرفاً به معنای انباشت اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی پویاست که به درک عمیق‌تر، بصیرت‌افزایی، و شکل‌گیری نگرش صحیح منجر می‌شود. در چارچوب تربیت دینی و با نگاهی به آموزه‌های نهج‌البلاغه، کسب معرفت را می‌توان در ابعاد زیر بسط داد: شناخت دنیاپرستان، شناخت خود، شناخت خدا (مصباح، ۱۳۹۸، ص ۲۶) این دانش بنیادین، اساس نگرش و رفتار انسان را شکل می‌دهد.

## ۱-۲- شناخت دنیاپرستان:

در واقع، شناخت دقیق دنیاپرستان و ویژگی‌هایشان، به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چه چیزهایی نباید در تربیت فرزندانمان مورد تأکید قرار گیرند و از چه دام‌هایی باید پرهیز کرد. این شناخت، مانند یک شاخص عمل می‌کند که نشان می‌دهد مسیر درست تربیت دینی کدام است. امیرالمومنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندش دنیا پرستان را به "کَلَابِ عَاوِيَه و سَبَاعِ ضَارِيَه" سگ‌های پارس‌کننده و درندگان تشبیه کرده است. این تشبیه نشان‌دهنده حرص، و بی‌رحمی است که در افرادی که فقط به دنبال دنیا هستند، دیده می‌شود. در تربیت فرزندان، باید مفاهیمی چون ایثار، گذشت، و شفقت را تقویت کنیم تا از این خصلت‌های ناپسند دور بمانند. و حضرت هم چنین آنها را به "نَعْمَ مُعَقَّلَه" شترهایی که پای آن‌ها بسته شده است و "نَعْمَ مُهْمَلَه" شترهای سرگردان در بیابان تشبیه نموده است. این بخش به ما یادآوری می‌کند که تربیت دینی باید بر اساس عقل و هدایت الهی باشد، نه پیروی کورکورانه از تصورات و تخیلات. فرزندان باید یاد بگیرند که عقل خود را در پرتو هدایت الهی به کار گیرند. این مهمترین نکته برای تربیت دینی فرزندان است. باید به آنها بیاموزیم که دنیا گذرگاه است و هدف اصلی، سعادت ابدی در آخرت است (حسینی طهرانی، ۱۳۹۳، ص ۵۷). حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزندش می‌فرماید "وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ" آخرت را به دنیا نفروش. این نامه، خود چراغ راهی برای تربیت فرزندان است و شناخت دنیاپرستان، یکی از ابزارهای مهم برای درک بهتر توصیه‌های آن نامه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۰).

## ۲-۲- خودشناسی

در میان آموزه‌های دینی ما، «خودشناسی» جایگاهی ویژه و کلیدی دارد. خداوند می‌فرماید "وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٍ لِلْمُوقِنِينَ، وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ" (ذاریات، ۲۰-۲۱) از قدیمی‌ترین دستورهای حکیمانه که توسط پیامبر به ما ابلاغ شد و برای همیشه اعتبارش محفوظ ماند این جمله می‌باشد "ای انسان خودت را بشناس" (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴)، "این مفهوم، نه تنها در متون عرفانی و فلسفی، که در بطن شریعت و کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است. شاید بتوان گفت، هر نوع تربیت واقعی، از جمله تربیت دینی، بدون آغاز از آستان خودشناسی، راه به جایی نخواهد برد. خودشناسی شامل تمام ابعاد وجودی انسان اعم از مادی و معنوی می‌باشد و اگرچه نتیجه آن تنها اخلاقی و معنوی است اما باید خود را به طور کامل بشناسد. بنابراین گستره مفهوم خودشناسی تمام ابعاد وجودی انسان را شامل می‌شود (اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). از نظر علی علیه السلام انسان موجودی با استعدادهای گوناگون که باید قدر خود را شناخته و آن را به سوی تعالی برساند. کسی که قدر و منزلت خود را بشناسد، نشانه رشد یافتگی اوست (نصری، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳) هم چنین حضرت در نامه ۳۱ می‌فرماید "جوانی که به دنیا دل بسته است و آرزوی آن را دارد، پس راهی را طی می‌کند که به نیستی ختم خواهد شد؛ چرا که در دنیا در معرض مشکلات و بیماری، بلا، اسیر هوی و هوس و... خواهد بود" هدف حضرت از بیان این کلام معرفی چپستی انسان به فرزندش می‌باشد.

## ۳-۲-خداشناسی

یکی از راههای کسب معرفت، شناخت خداوند است که یکی از پایه‌های اصلی تربیت دینی است. وقتی فرزندان خدا را بشناسند و عظمت او را درک کنند، به طور طبیعی گرایش بیشتری به سوی دین و دستورات آن پیدا می‌کنند. این شناخت، همان "خشیت"ی است که در دلشان ایجاد می‌کند و باعث می‌شود از گناه و نافرمانی پرهیز کنند. امیرالمومنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش می‌فرماید: "اعْلَمْ يَا بَنِي أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَ لَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَأُضَادَّهُ فِي مَلُ.....پسرم اگر خدا شریکی داشت، پیامبران او نیز به سوی تو می‌آمدند، و آثار قدرتش را می‌دید، و کردار و صفاتش را می‌شناختی. اما خدا، خدایی است یگانه، همان گونه که خود توصیف کرد، هیچ کس در مملکت داری او نزاعی ندارد، نبود شدنی.... در واقع، نامه ۳۱ نهج البلاغه که خطاب به امام حسن (ع) نوشته شده، پر از توصیه‌های تربیتی است که ریشه در همین شناخت الهی دارد. امام علی (ع) با بیان اهمیت خداشناسی، به فرزندش یادآوری می‌کند که تمام امور به دست اوست و این باور، اساس یک تربیت دینی صحیح را تشکیل می‌دهد (ری شهری، ۱۳۶۳، ص ۱۳-۱۶)

مبانی اثبات خداوند از طریق اوصاف در تربیت دینی: برای تربیت دینی فرزندان باید بتوان با اوصاف خداوند را برای آنها اثبات کرد. اثبات وجود خداوند اولین گام در شکل‌گیری شخصیت دینی کودک است. این اثبات نباید صرفاً بر اساس تقلید یا اجبار باشد، بلکه باید با استدلال و درک مفاهیم عمیق‌تر صورت پذیرد. شناختی که از صفات خداوند حاصل می‌شود، زمینه برای عشق، ترس، امید و در نهایت پرستش خالصانه فراهم می‌گردد. برای اثبات خداوند از طریق اوصاف می‌توان از طریق توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی استفاده کرد. این سه مفهوم، ارکان اصلی توحید در اسلام هستند و شناخت آنها به فرزندان کمک می‌کند تا تصویری صحیح از خداوند در ذهن خود بسازند.

## ۴-۲-خودسازی

خودسازی به معنای پرداختن به خویشتن با نگاهی متعالی و هدفمند است. این دقیقاً همان چیزی است که والدین برای تربیت دینی فرزندانشان نیاز دارند. آنها باید ابتدا خود را از بندهای مادی و نفسانی رها کنند تا بتوانند راه درست را به فرزندشان نشان دهند. امیرالمومنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش می‌فرماید: "فَأِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِيَّ وَ لَزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ..." پسرم همانا تو را به ترس از خدا سفارش می‌کنم که پیوسته در فرمان او باشی، و دلت را با یاد خدا زنده کنی، و به ریسمان او چنگ زنی.... درآیه شریفه "قد افلح من زكياها و قد خاب من دسيها" (شمس، ۹) که به آن اشاره شده است، نشان می‌دهد که رستگاری در تزکیه نفس است. مراحل خودسازی، نقشه راه تربیت شامل مراحل مانع‌گذاشتن، تفکر، مراقبه، محاسبه و مشارطه در واقع ابزارهایی هستند که والدین برای

کند و بر امیال نفسانی خویش چیره شود، آماده اتصاف به فضایل الهی می‌گردد. در نتیجه، این فرایند زمینه‌ساز شکوفایی و گسترش اخلاق در اجتماع خواهد بود.

در حقیقت موعظه زنگ بیدار باش آدمی از خواب غفلت و سپس به حرکت واداشتن او به سوی اهداف متعالی فردی و اجتماعی است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «الْمَوَاعِظُ صِقَالُ النَّفُوسِ وَ جِلَاءُ الْقُلُوبِ مَوْعِظَهُ، نفوس انسان ها را صاف و نورانی و جلاء دهنده قلوب است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲). هم چنین آن حضرت، در نامه سی و یکی نهج البلاغه در سفارش به فرزندش می‌فرماید: «أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ» دلت را بپند و اندرز زنده بدار»

## ۲-۴- روابط دوستانه و حقوق آنها

زندگی اجتماعی بخش جدانشدنی از طبیعت و فطرت انسان است و هیچ فردی نمی‌تواند در این دنیا بدون ارتباط با دیگران زندگی کند. یکی از جلوه‌های مهم این معاشرت، برقراری دوستی با دیگران است. اگر این دوستی‌ها بر پایه ارزش‌های انسانی و اخلاقی شکل بگیرد، موجب رشد و تعالی انسان خواهد شد.

از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان، تعلق و وابستگی به گروه‌ها و ارتباط با هم‌نوعان و هم‌سالان است (شریفی، ۱۳۶۴: ۱۶۳). در این میان، دوست خوب نعمتی بزرگ از سوی خداوند و مایه آرامش قلب و جان است. در دنیای پرهیاهوی امروز، وجود یک دوست حقیقی می‌تواند پناهگاهی مطمئن برای انسان باشد. کسی که از داشتن چنین دوستی محروم باشد، احساس غربت و تنهایی می‌کند. یکی از لذت‌بخش‌ترین جنبه‌های زندگی، نشست و برخاست‌ها و گفت‌وگوهای دوستانه است که غم را از دل می‌زداید و انرژی تازه‌ای به انسان می‌بخشد (امینی، ۱۳۸۱: ۲۴۳).

وجود یک دوست خوب و شایسته، نعمتی ارزشمند و از عوامل اصلی خوشبختی و سعادت انسان و موثر در تربیت اجتماعی به شمار می‌رود. اهمیت این موضوع برای همه اقشار جامعه روشن است، اما برای نسل جوان و نوجوان که در آغاز ورود به اجتماع قرار دارند، نقشی حیاتی‌تر دارد. جوانان می‌توانند با همراهی دوستان آگاه، دلسوز و درستکار، شخصیت خویش را پرورش دهند و استعدادهای خود را شکوفا سازند (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۸۷). و حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ به این مطلب هم اشاره فرموده اند: أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أُخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ.....: چون برادرت از تو جدا گردد ، تو پیوند دوستی برقرار کن .....

## ۵- شاخصه های کلی حاکم بر تربیت

در تربیت اسلامی یک سری امور وجوددارند که نه اختصاص به فردداردونه مختص خانواده است و نه مختص اجتماع بلکه در هر کدام از این مجموعه ها، این موارد مدنظر قرار می‌گیرد که از آنها تحت عنوان شاخصه

های کلی حاکم بر تربیت یاد می شود که در ذیل به برخی از مواردی که در نامه ۳۱ نهج البلاغه به آنها اشاره شده می پردازیم:

### ۱-۵- محبت ورزی

یکی از شاخص‌های بنیادین تربیت در این نامه، محبت است. آن حضرت با بیانی عاطفی، فرزندش را مخاطب قرار می‌دهد و از علاقه قلبی خود سخن می‌گوید. این محبت، زمینه‌ساز پذیرش تربیت و ایجاد اعتماد است.

محبت به عنوان یک ارزش اساسی در تربیت و روابط انسانی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام در جهت ایجاد روابط صمیمانه و اخلاقی، گسترش عدالت و ایجاد فضای اجتماعی سالم و پایدار عمل می‌کند. به عنوان یکی از ابزارهای اصلی در تقویت ارتباط با خداوند و خلق او معرفی کرده‌اند و تأکید دارند که محبت باید در هر عرصه‌ای از زندگی انسان جریان داشته باشد؛ چراکه تربیت محبت‌محور، موجب رشد روانی، امنیت عاطفی و انگیزه یادگیری می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۸۵). حضرت در نامه ۳۱ می‌فرماید: "ابدلنی من بغضه اهل الشنان المحبه" محبت محوری در آموزه‌های حضرت علی (ع) به عنوان یک ارزش بنیادی برای ایجاد روابط انسانی سالم، تقویت عدالت و توسعه اجتماعی مطرح می‌شود.

### ۲-۵- عقلانیت و تفکر

دعوت به تفکر و تعقل از جمله شاخص‌های مهم تربیت در نهج البلاغه است. تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرد بتواند با استفاده از عقل و منطق، مسائل رو تحلیل کند و تصمیمات درستی بگیرد. امام علی (ع) در نامه ۳۱ فرزندش را به تفکر، تأمل و استدلال دعوت می‌کند: "اسْتَدِلَّ عَلَيَّ مَا لَا تَعْرِفُ بِمَا تَعْرِفُ". این شاخص، نشان‌دهنده اهمیت عقل در تربیت است. تربیت باید عقل را فعال کند، قدرت تحلیل و استنتاج را تقویت نماید و فرد را به تفکر انتقادی سوق دهد. تربیت عقل‌محور، موجب پایداری باورها و مقابله با شبهات می‌شود. (باقری، همان، ص ۸۲) و هم چنین در همین نامه می‌فرماید "و أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ، وَ أَمْتَهُ بِالزَّهَادَةِ، وَ قُوَّةَ بِالْيَقِينِ، وَ نَوْرَهُ بِالْحِكْمَةِ..." "قلب را با موعظه زنده کن، و با پارسایی بمیرانش، و با یقین نیرومندش گردان، و با حکمت نورانی‌اش ساز... حکمت محصول تفکر و تعقل است. در این فراز، حضرت علی (ع) با یک زبان استعاری و بسیار عمیق، مراحل تربیت و پالایش قلب را به فرزند دل‌بندشان و در حقیقت به همه بشریت آموزش می‌دهند.

### ۳-۵- عبرت‌آموزی و تجربه‌گرایی

در نهج البلاغه، "عبرت" و "تجربه" به معنای نگاه عمیق و تحلیل‌گرانه به گذشته، حال و آینده است تا از آنها درس گرفته شود و در مسیر زندگی از اشتباهات پرهیز و به سوی کمال حرکت کرد. این دو مفهوم در واقع پایه‌های یک نوع تربیت فعال و هوشمندانه هستند. امام علی (ع) در این نامه فرزندش را به تأمل در حوادث و عبرت‌گیری از تجربه‌ها دعوت می‌کند: "لَا تَفَكَّرْ فِي أُمُورِ الدُّنْيَا وَ تَأَمَّلْ فِي تَصَرُّفِهَا". عبرت‌آموزی، یکی از روش‌های مؤثر تربیتی است که موجب افزایش بصیرت، دوراندیشی و قدرت تصمیم‌گیری می‌شود.

(سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). انسان باید از خطاها و موفقیت‌های خود و دیگران درس بگیرد تا راه رشد و کمال را بهتر طی کند. عبرت‌آموزی موجب می‌شود که فرد از تکرار اشتباهات پرهیز کند و در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای آینده، هوشمندانه عمل نماید. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ فرزندشان را به تأمل در سرنوشت پیشینیان و عبرت گرفتن از آنها دعوت می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «فَاعْتَبِرْ بِمَا قَدْ مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا» از آنچه از دنیا گذشته است، برای آنچه باقی مانده عبرت بگیر. این جمله به وضوح نشان می‌دهد که عبرت، ابزاری برای فهم آینده بر اساس گذشته است. نهج‌البلاغه به ما می‌آموزد که برای داشتن یک تربیت صحیح و ریشه‌دار، باید چشمانی بینا برای دیدن عبرت‌ها و ذهنی تحلیل‌گر برای بهره‌گیری از تجربه‌ها داشته باشیم.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحث ارائه شده در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، می‌توان به این نتیجه رسید که این نامه، الگویی بی‌بدیل از تربیت اسلامی است که در آن شاخص‌هایی چون محبت، عقلانیت، عبرت‌آموزی، فرد، خانواده و اجتماع، به‌عنوان ارکان اصلی تربیت معرفی شده‌اند که در آن تربیت نه به‌عنوان یک دستور خشک و تحمیلی، بلکه به‌عنوان یک فرآیند انسانی، عاطفی و عقلانی مطرح می‌شود. این روش، نشان‌دهنده اهمیت ارتباط انسانی در تربیت و نقش الگوهای عملی در انتقال ارزش‌هاست. بنابراین در مجموع، نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، الگویی جامع، انسانی، عقلانی و الهی از تربیت را ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای طراحی نظام‌های تربیتی اسلامی قرار گیرد. این نامه، نه تنها برای تربیت فرزندان بلکه برای تربیت نسل آینده، مربیان، معلمان، و حتی مدیران فرهنگی و آموزشی قابل استفاده است. شاخص‌های مطرح شده در این نامه، اگر به‌درستی در نظام‌های تربیتی نهادینه شوند، می‌توانند جامعه‌ای متعادل، اخلاق‌مدار، معنوی و مسئول‌پذیر را شکل دهند. بنابراین، بازخوانی و بازتولید آموزه‌های تربیتی نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، ضرورتی فرهنگی و تربیتی است که می‌تواند در مواجهه با چالش‌های تربیتی عصر حاضر، راه‌گشا و الهام‌بخش باشد. این نامه، پلی میان سنت و مدرنیته، عقل و ایمان، محبت و مسئولیت است؛ و می‌تواند چراغ راهی برای تربیت انسان‌هایی باشد که هم در دنیا موفق‌اند و هم در آخرت رستگار.

### فهرست منابع

\*قرآن

\*نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۲- اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دهم، تهران، سمت، ۱۳۸۷.

۳- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

- ۴- امینی، ابراهیم، خودسازی، قم، شفق، ۱۳۷۸.
- ۵- باقری، خسرو، فلسفه تربیت اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۲.
- ۶- برنشتاین، ریچارد، روان‌شناسی خانواده، مترجم: علی قاسم‌زاده. تهران، رشد، ۲۰۰۱.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الحکم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۳.
- ۸- جزایری، محمد علی، دروس اخلاق اسلامی، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۸.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، زن آینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجایی، ۱۳۶۹.
- ۱۰- حاجی صادقی، عبدالله، امر به معروف و نهی از منکر، چاپ اول، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵.
- ۱۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵.
- ۱۲- حسینی طهرانی، محمدحسن، حیات جاوید، طهران، مکتب وحی، ۱۳۹۳.
- ۱۳- خطیبی، کریم، خودسازی، تهران، به آموز، ۱۳۹۰.
- ۱۴- دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهرپرور در تربیت نهج البلاغه، تهران، خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
- ۱۵- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲.
- ۱۶- رحیمی، محمد، نقش خانواده در تربیت فرزندان. تهران: نشر معرفت، ۱۳۹۲.
- ۱۷- رضایی آغویی، نصرت، خانه آفتاب: راه کارهایی برای موفقیت خانواده طلاب، قم، باران حکمت، ۱۳۹۱.
- ۱۸- ری شهری، محمد، بهترین راه شناخت خدا، انتشارات یاسر، ۱۳۶۳.
- ۱۹- سبحانی، جعفر، آشنایی با نهج البلاغه، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰.
- ۲۰- شبر، عبدالله، ترجمه کتاب الاخلاق، چاپ نهم، قم، هجرت، ۱۳۷۴.
- ۲۱- شرفی، حسن، اصول تربیت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
- ۲۲- شریفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
- ۲۳- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۴، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
- ۲۴- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۷.
- ۲۵- فروم، اریک، هنر عشق ورزیدن، مترجم: اکبر تبریزی. تهران، مروارید، ۱۳۸۱.
- ۲۶- گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۶.

- ۲۷- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی .
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۲۹- مصباح یزدی، محمد تقی، مشکات: آموزش عقاید، چاپ ششم، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
- ۳۰- مصباح یزدی، محمدتقی. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰
- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی، ۱۳۸۰.
- ۳۲- مصباح، مجتبی، معرفت شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.
- ۳۳- مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۸۹.
- ۳۴- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، قم، صدرا، ۱۳۸۷.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا، ۱۳۷۴.
- ۳۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، بهزاد، ۱۳۸۶.
- ۳۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر، زندگی در پرتو اخلاق، چاپ نهم، قم، سرور، ۱۳۹۴.
- ۳۹- نجم رازی، عبدالله بن محمد، مرصاد العباد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۰- نراقی، جامع السعادات، ج ۳، بیروت، موسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۴۲۵
- ۴۱- نصری، عبدالله، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب الهی، چاپ یوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.
- ۴۲- نظری، محمد، درسنامه نهج البلاغه، ج ۲، قم، دارالعلم، ۱۳۹۴.
- ۴۳- وکیلی، حسینعلی، فرهنگ فارسی به فارسی، تهران، اقبال، ۱۳۷۵.
- ۴۴- پناهی، علی احمد، دوستی از منظر دینی، ماهنامه معرفت، شماره ۹۷، ویژه نامه روانش ۱۳۹۰.